

Analysis and Study of Biography of Hazrat Zainab (PBUH) to Extract Fundamentals and Principles of Moral Education

ARTICLE INFO

Article Type

Research Articles

Authors

Fereshteh Salami¹

Saeed Beheshti^{2*}

Masoumeh Samadi³

How to cite this article

Fereshteh Salami, Saeed Beheshti, Masoumeh Samadi, Analysis and Study of Biography of Hazrat Zainab (PBUH) to Extract Fundamentals and Principles of Moral Education. *Islamic Life Style*. 2020;4(1):253-263

1. PhD Student, Department of Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Philosophy of Education, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, Department of Philosophy of Education, Institute of Educational Studies, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: s-beheshti@srbiau.ac.ir

Article History

Received: 2020/04/05

Accepted: 2020/06/07

Published: 2020/06/20

ABSTRACT

Purpose: The aim of this study was to analyze the biography of Hazrat Zeinab (PBUH) to extract the principles of moral education.

Materials and Methods: Due to its nature, the method of this research is qualitative content analysis of deductive type and according to the subject of this research, which is used for education, this research is among the applied researches. .

Findings: The most important findings of the study include the principles of moral education extracted from the biography and words of Zeinab (PBUH) including human benefit from monotheistic nature, human dignity, innate morality, rationality, courage and impact on conditions, good attraction and Virtue is the effect of the veil on the inside, weakness of the soul, ability to understand the facts, rational reasoning and strong will, human gratitude in the light of divine benevolence, human guidance, and human purposefulness.

Conclusion: According to the findings, the results showed that the principles of moral education including honesty and integrity, chastity, chastity, morality, effort-oriented, readiness to play the role of wife and mother, trust and God-centeredness, love and respect, Saad Sadr, Discipline, reasoning and thinking, inner change and transformation, self-esteem, duty and responsibility, self-sacrifice, neglect, and imitation of moral models.

Keywords: Moral Education, Manners, Zainab (PBUH), Fundamentals And Principles of Moral Education.

تحلیل و بررسی سیره حضرت زینب (س) جهت استخراج مبانی و اصول تربیت اخلاقی

فرشته سلامی^۱

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

سعید بهشتی^{۲*}

استاد، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

معصومه صمدی^۳

دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی تحلیل و بررسی سیره حضرت زینب (س) جهت استخراج مبانی و اصول تربیت اخلاقی بود.

مواد و روش ها: روش این پژوهش با توجه به ماهیت آن، تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است و با توجه به موضوع این پژوهش، که به منظور بهره گیری در تعلیم و تربیت می پردازد، این پژوهش در زمره پژوهشهای کاربردی قرار می گیرد.

یافته ها: مهم ترین یافته های پژوهش شامل مبانی تربیت اخلاقی مستخرج از سیره و سخنان زینب (س) شامل بهره مندی انسان از فطرت توحیدی، کرامت انسانی، فطری بودن اخلاق، خردورزی و عقلانیت، شجاعت و تأثیر گذاری بر شرایط، جذبۀ حسن و فضیلت، اثرگذاری حجاب ظاهر بر باطن، ضعف نفس، توانمندی فهم حقایق، استدلال عقلی و اراده قوی، شاکر بودن انسان در پرتو احسان الهی، هدایت پذیری انسان، و هدف دار بودن انسان می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها نتایج نشان داد اصول تربیت اخلاقی شامل صداقت و درستکاری، عفت پیشگی و پاکدامنی، اخلاق مداری، سعی محوری، آمادگی برای انجام نقش همسری و مادری، توکل و خدا محوری، محبت و احترام، سعه صدر، نظم و انضباط، تعقل و تفکر، تغییر و تحول باطن، عزت نفس، تکلیف و مسئولیت، ایثار و فداکاری، غفلت زدایی، و تقلید از الگوهای اخلاقی می باشد.

واژگان کلیدی: تربیت اخلاقی، سیره، زینب (س)، مبانی و اصول تربیت اخلاقی.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۸

*نویسنده مسئول: s-beheshti@srbiau.ac.ir

مقدمه

انسان دارای ابعاد وجودی و متنوع است که برای شکوفا شدن و متعالی شدن این ابعاد و استعدادهای نهانی، احتیاج به تربیت دارد و در عین حال مشکل ترین کار است و انجام این کار از هدف های مهم و والای رسالت پیامبران خدا بوده است تا انسان را در مسیر کمال که علت غایی آفرینش است قرار دهند، چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) فرموده اند: «انما بُعثتُ لأتمم مکارمُ الأَخالق»، فلسفه بعثت ایشان هم تکمیل مکارم اخلاقی بوده است^[۱] قرآن کریم در آیه ۲ سوره جمعه، راز بعثت تمام انبیا را تعلیم و تربیت و تزکیه بشر یاد کرده است. اخلاق و تربیت اخلاقی از دیر باز مورد توجه اندیشمندان بشری و پیشوایان دینی بوده است. بی اعتنائی به ارزشهای اخلاقی و کمرنگ شدن آن در تربیت نسل جدید نیز به چشم می خورد و یکی از مهمترین دلایل این معضلات، کمتر پرداختن متفکران و اندیشمندان تعلیم و تربیت به مسائل ارزشی و اخلاقی است. در دوران معاصر در کشورهای غربی بتدریج اصول اخلاقی و توجه به فضایل و به دنبال آن توجه به تربیت اخلاقی، کمرنگ شده است. اسلام به عنوان دینی همه جانبه و چند بعدی، اساس و مبانی تربیت اخلاقی خود را بر پایه اعتقاد و ایمان به ذات اقدس خداوندی قرار داده و اصلاح اخلاقی انسانها و مبارزه با مفاسد اخلاقی را از مهمترین اهداف پیامبران بر شمرده است^[۲].

اهل بیت پیامبر (ص) بخصوص زینب (س) مریبان بزرگ و موفقی بوده اند و مهارت آنان در هدایت و تربیت اخلاقی ستودنی است. نقش تربیتی و اخلاقی ایشان در طول تاریخ مورد توجه همگان بوده است. بنابراین هدف این پژوهش این است که مبانی و اصول تربیت اخلاقی از سیره و خطبه های گهربار زینب (س) به درستی استخراج و تبیین شود، تا بتواند مناسبترین نمونه برای عملکرد های تربیتی جامعه اسلامی ما تلقی شود.

در زمینه تربیت اخلاقی در میان پژوهشگران تحقیقاتی صورت گرفته است که گرچه دقیقاً به موضوع مورد بحث ما در این مقاله نپرداخته اند لیکن به تعدادی از آنها اشاره خواهد شد.

بهشتی و داودی (۱۳۸۷) در مقاله ای با عنوان «تربیت اخلاقی بر مبنای دعای مکارم اخلاق امام سجاد(ع)» بیان داشتند بر اساس این تحقیق، تربیت اخلاقی دارای رویکردی مطلق گرا و خاستگاهی الهی شامل شناخت خدا، شناخت فضایل و رذایل اخلاقی است. مبنای تربیت اخلاقی نیز عزت نفس است^[۳].

شمشیری و دوستداری (۱۳۸۵) در مقاله ای با عنوان «ویژگی های تربیت اخلاقی در سیره نبوی» از مجموع این مقاله نتیجه گرفتند که تربیت اخلاقی یکی از عوامل مهم و مؤثر در رشد و پیشرفت جامعه به خصوص آموزش و پرورش است. با در نظر داشتن ویژگی های آن در نزد پیامبر (ص) که مشتمل بر توجه به آزادی اراده، عدم تبعیض و همچنین عزت و برابری انسان ها؛ می توان جامعه را به سوی تکامل و پیشرفت سوق داد^[۴].

صمدی و اقبالیان (۱۳۹۱) در مقاله ای با عنوان «بررسی مبانی، اصول و روش های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)» است. یافته ها بطور خلاصه حاکی است که در سیره پیامبر (ص) و

تربیت اخلاقی

معنای لغوی: به معنای چگونگی به کار گیری و پرورش استعداد های درونی انسان جهت رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی به منظور انجام رفتار های پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی است؛ به طوری که این ویژگی ها برای انسان به صورت ملکه در آید [۱۰].

معنای اصطلاحی: از نظر ابن مسکویه مراد از تربیت اخلاقی این است که انسان در پرتو تربیت اخلاقی از رذایل و صفات نکوهیده می رهد و به فضایل و خصلت های ستوده آراسته می گردد، فضایل با تکرار اعمال شایسته به تدریج در نفس رسوخ یافته، افعال نیکو از فرد سر می زند و او از انحطاط و پستی رهایی یافته و رو به سوی تعالی می نهد [۱۱].

بعد از بررسی و جستجو در سیره و سخنان حضرت، مبانی تربیت اخلاقی به اختصار معرفی می شود.

۱- بهره مندی انسان از فطرت توحیدی

با بهره گیری از عوامل شکوفایی، باید فطرت توحیدی را شکوفا کرد. «علم و معرفت در (عقل نظری) و تزکیه در (عقل عملی) عامل شکوفایی فطرت است. انبیا هم با کار عملی، یعنی تزکیه و تطهیر، گنجینه های عقلی و فطری انسان را شکوفا می کنند» [۱۲].

نقل شده است که روزی علی (ع) زینب (س) را در دامن خود نشانده و فرمود: «دخترکم بگو یک». گفت: یک. سپس آن حضرت فرمودند: «بگو دو». زینب کبری عرض کرد: «پدر جان نمی توانم با زبانی که نام واحد را جاری نموده کلمه دو را جاری نمایم» [۱۳].

۲- کرامت انسانی

یکی از مهم ترین مبانی تربیتی از دیدگاه اسلام کرامت انسان است. «کرامت، بزرگواری است و بزرگواری، حاصل بهره وری معین یک موجود است، بی آن که پای مقایسه با غیر در آن گشوده شود و هر گاه چنین شد آن را فضیلت گویند، نه کرامت» [۱۴].

زینب (س) بانویی بزرگوار از دودمان پاک رسالت و اهل بیت (ع) و بسیار با کرامت هست. علامه شرف الدین فرموده: «بزرگوار، کریم، اصیل و نجیب تر از زینب (س) دیده نشده است. وی آیتی از آیات الهی بود» [۱۵].

۳- فطری بودن اخلاق

مبنای فطری بودن اخلاق به این معنی است که انسان ها برخی از اصول و ارزش های اخلاقی را به صورت فطری درک می کنند، بدون این که نیازی به یادگیری آن ها از طریق اجتماع داشته باشند. فطرت نقطه و زیر بنای ساختمان اخلاق را تشکیل می دهد.

زینب (س) دوران کودکی را در آغوش پر مهر رسالت و امامت سپری کرده و در دامن عصمت و طهارت بالیده و به صفات والای انسانی و فضایل و کمالات معنوی و ملکوتی آراسته گردید. از این رو، آن حضرت دارای صفات برجسته ایست که وی را از سایر بانوان عالم ممتاز می سازد [۱۶].

امام حسن (ع) به ایشان می فرماید تو از شجره نبوت و از معدن رسالت هستی، امام سجاد (ع) او را عالمه غیر معلمه و عارفه کامله معرفی می کند [۱۷]. شرف الدین می نویسد جز پدر و مادر او، از نظر

اهل بیت (ع) سه مبنا استنباط، و از هر مبنا یک اصل استخراج شده است که جداگانه به آنها پرداخته شد [۵].

غفلت از تربیت اخلاقی، باعث از بین رفتن آثار مثبت دیگر جنبه های تربیت خواهد شد. با توجه به اینکه زینب (س) توانست خود را به عالی ترین درجه های کمال و صفات پسندیده برساند و شایستگی هدایت در حساس ترین مرحله زمانی را به دست آورد، الگو قرار دادن ایشان از برترین عوامل تربیت صحیح و خود سازی است و مفهوم زندگی پویا و حقیقی را به زنان امروز می آموزد. همچنین با توجه به اینکه در زمینه مبانی و اصول تربیت اخلاقی پژوهشی در سیره زینب (س) صورت نگرفته و خلاء زیادی در این زمینه وجود دارد، بر این اساس آگاهی از مبانی و اصول برگرفته از سیره زینب (س) ضرورت می یابد. بنابراین سؤالی که در این پژوهش مطرح است این است که با توجه به کاستیها و ضعفهایی که در زمینه تربیت اخلاقی و بخصوص در پژوهش های مربوط به سیره آن حضرت وجود دارد، چه مبانی و اصولی از سیره زینب (س) می توان استخراج کرد که بتواند در امر تربیت اخلاقی متربیان مؤثر باشد؟

مواد و روش ها

روش این پژوهش با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی از نوع قیاسی است و با توجه به موضوع پژوهش، که به بررسی سیره زینب (س) در زمینه مبانی و اصول تربیت اخلاقی به منظور بهره گیری در تعلیم و تربیت می پردازد، این پژوهش در زمره پژوهشهای کاربردی قرار می گیرد و ابزار پژوهش نیز شامل فرمهای فیش برداری است و داده ها نیز با استفاده از شیوه های تحلیل کیفی جمع آوری، طبقه بندی و تحلیل شده است. جمع آوری داده ها در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی صورت گرفت.

یافته ها

مفهوم شناسی واژگان کلیدی پژوهش

سیره

معنای لغوی: از کلمه «سیر» به معنای رفتن است و خود کلمه سیره به معنای روش و رفتار و سنت و طریقت و هیأت می باشد [۶].

معنای اصطلاحی: شرح احوال و تاریخ زندگی پیامبر، مفهوم اصطلاحی واژه «سیره» معرفی شد. شناخت سیره پیامبر (ص) و حضرت (ع) به معنای «رفتارشناسی» آن بزرگواران است و در حقیقت، شناخت اصول و روشهایی است که این بزرگواران، در رفتار و کردار خود دارند. بنابراین «سیره شناسی» امری جز «سبک شناسی» نیست [۷].

مبانی تربیت

معنای لغوی: در لغت به معنای «شالوده و اساس» یک چیز آمده است [۸].

معنای اصطلاحی: در اصطلاح دانشمندان تربیتی، به گزاره هایی گفته می شود که بیانگر موقعیت، امکانات، محدودیت ها و ضرورت های حیات انسانی است و مبانی هر مکتب، نوع اصول ارزشی و تربیتی آن مکتب را مشخص می کند [۹].

اخلاقی زنی چون او نبود و در پاکی فطرت زنی به مثل او دیده نشد و از نظر روحی و وجودی پاکیزه تر از او کسی نبود [۱۵].

۴- خردورزی و عقلانیت

یکی از ویژگی های انسان و بلکه تمایز او با سایر مخلوقات، قوه ی تعقل و اندیشه ورزی اوست و انسانیت انسان با این ملاک به منصفه ی ظهور می رسد. همچنین از جمله القاب زینب (س) «عاقله» است [۱۸]. به دلیل توانمندی بالای ادراکی و عقلانی، حضرت «عقیله بنی هاشم» نام گرفته است. ابن عباس با این عبارت از آن حضرت در روایاتی که از او نقل می کند، یاد کرده است: بانوی فهم و اندیشمند ما زینب بر من چنین روایت کردند، «حدثنی عقیلتنا زینب» [۱۹].

۵- شجاعت و تأثیر گذاری بر شرایط

شجاعت در وجه برتر خود، به تأثیر گذاری بر شرایط منجر می شود و آدمی دست به تغییر آفرینی در موقعیت می برد. به طوریکه در آیه ۲۴ سوره طه هم آمده که رسولان همین رسالت را به عهده داشتند و هر گاه که کسانی دست به طغیان می زدند و فساد می گسترند، آنان برای مهار زدن به طاغیان گسیل می شدند. انبوه مصائب و سختیها خللی در عزم و اراده زینب (س) وارد نیاورده بود و او همچنان با عزت و اقتدار در برابر دشمن می ایستد که: «مؤمن عزیز است و ذلیل نیست، مؤمن از کوه نیرومندتر است» [۲۰]. این پرورش یافته خاندان وحی، آن هنگام که تعدی و سوء قصد دشمن را به جان سجاد (ع) می بیند، چون کوهی استوار در برابر آنها می ایستد و خطاب به آنها می فرماید: «به خدا او را نخواهید کشت تا اینکه مرا بکشید» [۲۱]. ایستادگی در برابر دشمن به ظاهر پیروز و دفاع از حق، مستلزم شجاعت است. همین شجاعت و دلاوری است که به زینب (س) آن چنان هیبت و عظمتی می دهد که در اوج مصائب دشمن را وادار به تسلیم می نماید. شجاعت علی (ع) در کالبد زینب متجلی شده است و او با صلابت، در برابر سپاه دشمن می ایستد که به گفته امیرالمؤمنین شجاعت یکی از دو عزت است [۲۲].

۶- جذبه حسن و فضیلت

حسن گاهی از طریق حسن دریافت می شود و گاه از غیر طریق حسن؛ و از این رو به اعتبار نخست، به معنای «زیبایی» و به اعتبار دوم به معنای «خوبی» خواهد بود. پس می توان گفت آنچه دارای حسن است، آدمی را می انگیزد و کششی در وی پدید می آورد [۱۴].

زینب (س) ماهی است که از پنج خورشید تابان کسب نور کرده و از هر کدام به طور شایسته ای بهره گرفته و آن گاه جهانی را روشنی بخشیده است؛ خون پاک، ریشه پاک، زکات و سرشار، مریبان بزرگ، شرکت در بزرگترین انقلابات بشری و تجربه حوادث و تحولات بزرگ جهان، زینب (س) را آن طور که شایسته بود پرورش داد و او را نمونه ای از عالی ترین مراتب انسانیت قرار داد [۲۳].

علامه مامقانی نقل کرده: من زینبی بر زبان می آورم و تو هم زینبی می شنوی، اما چه می دانی که زینب (س) کیست؛ وی عقیله بنی هاشم دارای صفات حمیده ای بوده است؛ چندان که احدی از زنان جز مادرش دارای چنین صفاتی نبوده و نیستند [۱۷].

۷- اثرگذاری حجاب ظاهر بر باطن

منظور از ظاهر، همه ی امور مشهودی است که از انسان سر می زند و مظهر آن ها بدن است (مثل حجاب و پوشش بدن) و مراد از باطن، شؤنی است که قابل مشاهده نیست، همچون فکر و نیت [۱۲].

زینب (س) برای زنان الگوی حجاب و عفاف است. او بانویی سرشار از بینش و بصیرت بود که با سیره و سخن خود، فرهنگ برهنگی و بی حجابی دیروز و امروز را مورد تعرض قرار داد، و با این کار، الگویی ماندگار از شخصیت خویش به یادگار گذارد و معیارهای حرکت ارزشی و ضد ارزشی را برای همیشه ترسیم کرد [۲۴].

حجاب و عفاف حضرت زینب (س) به گونه ای بوده است که علامه مامقانی در این باره می گوید: زینب در حجاب و عفاف، یگانه روزگار بوده است، کسی از مردان، در زمان پدرش و برادرش تا روز عاشورا، او را ندیده بود [۲۵].

۸- ضعف نفس

ضعف در مقابل قوت و به معنای ناتوانی است. ضعف نفس با قوت بدن و قوت عقل می سازد؛ یعنی می شود که انسان از قوت بدنی و عقلی برخوردار، اما دچار ضعف نفس باشد. این ضعف در مواردی آشکار می شود که فرد به رو یارویی با تکالیف بر خاسته و در برابر قبول مسئولیت ها قرار گرفته است [۱۴]. مردم کوفه نیز دارای ضعف نفس بودند، آنان ظاهری آراسته و تمدنی ریشه دار داشتند، اما حقیقت و باطن آنان زشت و قبیح و مشتمل بر خیانت، دروغ، نفاق، تجرّی بر خدای متعال، پایمال کردن ارزش ها و عدم تخلّق به اخلاقی فاضله بوده است. سپس زینب (س) مثالی زدند و فرمودند: «او کفّضه علی ملجوده؛ یا همچون جنازه دفن شده ای که روی قبرش را با نقره تزئین نموده باشند». وقتی بر قبر یک انسان منحرف و بی دین تزئینات نقره ای بگذارند ظاهری زیبا پیدا خواهد کرد اما جنازه ای که درون قبر است مرداری متعفن است، اهل کوفه نیز در ظاهر اهل تمدن و فرهنگ بودند، اما در باطن به مانند همان مردار، مجمع همه سیئات اخلاقی؛ همچون نقض عهد و غدر و خیانت و... بوده اند که چنان پرونده سیاه و سوابق رسوایی را برای آنان رقم زده است [۲۶].

۹- توانمندی فهم حقایق و استدلال عقلی و اراده قوی

این مبنا از دیگر مبانی انسان شناختی است که انسان باید آن را در خویش تا آن حد پرورش دهد که این پیغمبر درونی، بتواند با بهره گیری از آموزه های پیامبران و رسولان ظاهری و در کنار آنان، زمینه تعالی و رشد همه جانبه بشر را فراهم سازد [۲۷].

زینب (س) در ادامه خطبه، خطاب به یزید فرمود: «آیا غیر از این است که رأی، طرح و نقشه های تو، سست و مدّت حکومت تو اندک و جمعیت تو پراکنده است؟ آن روزی که منادی فریاد می زند: آگاه باشید، لعنت خدا بر گروه ستمکاران باد». این سخنان که همه خبرهای غیبی است، بخش دیگری از شخصیت حضرت را آشکار می کند. ایشان در آن موقعیت حساس و تاریخی، چنان با اعتماد به نفس عمیقی خبر از آینده داده و طوری پیش بینی دقیقی می کند که ما بعد از صدها سال نتایج آن را به وضوح مشاهده می کنیم که دشمنان حسین (ع) خوار و رسوا گشته و عظمت نام، یاد و حماسه ی حسینی همه ی عالم را فرا گرفته است [۱۶].

۱۰- شاکر بودن انسان در پرتو احسان الهی

آن بانوی عصمت به سوی کمال گام برداشتند. آن حضرت تخم و بذری را در دل کوفیان پاشید که ثمره ی آن در دهه های بعدی آشکار شد [۱۶].

۱۲- هدف دار بودن انسان

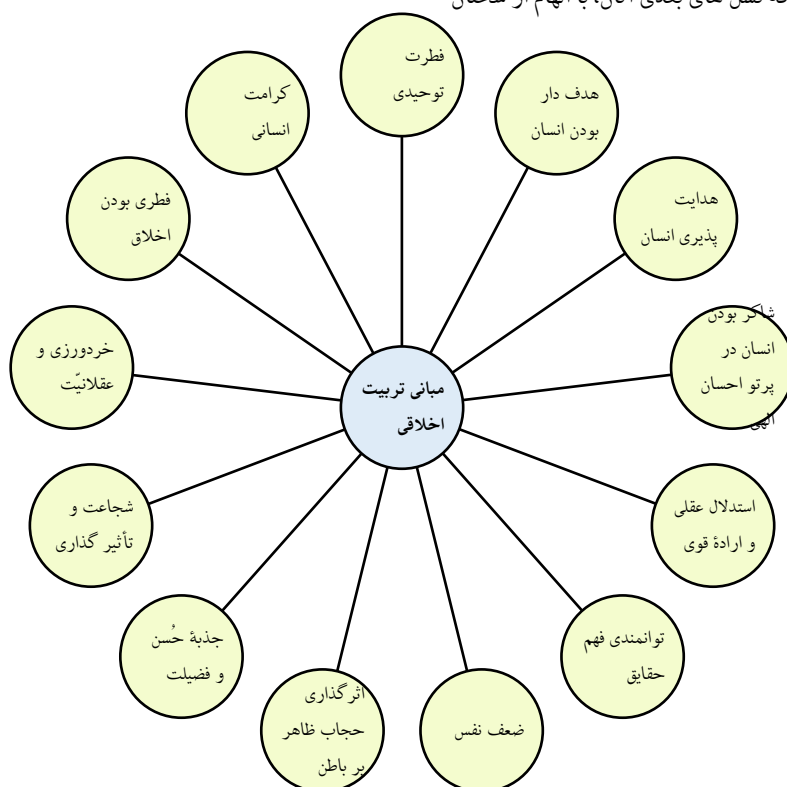
هدف دار بودن انسان یا داشتن مطلوب نهایی، عبارت است از رسیدن به سعادت و کمال، کمال یعنی شکوفایی استعدادهای درونی انسان و سعادت به لذت پایداری گفته می شود که از جهت کمی و کیفی دارای برتری و دوام نسبت به سایر لذت هاست [۲۰].

نمود عینی ایمان به هدف در زندگی حضرت زینب (س) متجلی بود به طوری که در راه رسیدن به هدف هیچ مصیبت و مشکلاتی نتوانست سد راه او باشد و پاسخ دندان شکن حضرت زینب کبری در مجلس یزید مؤید این مهم است. هدف نهضت و قیام حسینی بر انگیزختن حساسیت دینی و مذهبی مسلمانان و بیدار کردن وجدان های خفته آنان بود. زینب (س) با قلبی استوار و محکم در میان جمع حاضر شد و با صدای بلند و شیوا اهداف قیام امام حسین (ع) را آشکار نموده و مردم را با صراحت و روشنی و نفوذ کلام خود به یاد ایام علی (ع) انداخت [۱۷].

شکر گزاری، در واقع از لطف و احسان خداوند در حق بنده اش نشئت می گیرد. این امر یکی از عوامل سازنده روح انسانی است و آغاز چنین معرفت و عمل، آغاز تکامل انسانی و برقراری یک ارتباط معقول میان او و جهان هستی و هموعان خویش است [۲۸]. زینب (س) نیز زنی شکر گزار و سپاس گوی خداست. در سراسر تاریخ حیات او، هر جا که سخن از سخنان او است، در رأس آن حمد و سپاس خدای را می بینیم. این مسأله حتی در وقایع پس از شهادت که حضور او در عرصه حیات، بیشتر از موارد دیگر بود، کاملاً به چشم می خورد. در مجلس ابن زیاد در برابر خصمی بد اندیش که می خواست او را به باد سرزنش بگیرد و ابهت او را بشکند، سپاس خدای را گفت و شهادت را افتخاری برای خانواده خود ذکر کرد. در شهر کوفه به هنگام خطبه خواندن در حضور مردم سخن از حمد خدای داشت [۲۹].

۱۱- هدایت پذیری انسان

هدایت انسان در جهت سیر الی الله و مکارم اخلاقی مبنای کلیدی است و این که در همگان استعداد خداگونه شدن وجود دارد، بدین لحاظ باید تبلیغ و تعلیم را در دستور کار قرار داد. زینب (س) بعد از آنکه جنایات کوفیان را شرح داده و زشتی کارشان را کاملاً نمایان می سازد به عذاب وجدان و گرفتاریهای دنیوی آنان که در پیش خواهند داشت اشاره می کند و می فرماید: «ان رَبِّکُمْ لَبَالْمُرْصَد»، مطمئن باشید که پروردگارتان، در کمینگاه است و در موارد لازم شما را به سزای اعمالتان خواهد رسانید. کوفیان گرچه به اعمال ناپسندی دست زدند و گناهی را مرتکب شدند که هیچگاه فراموش نمی شود. اما زینب (س) با خطابه ی روشنگر و آتشین خود چنان تحوّل در آنان ایجاد نمود که نسل های بعدی آنان، با الهام از سخنان



نمودار ۱. مبانی تربیت اخلاقی مستخرج از سیره حضرت زینب (س)

(س) که تربیت شده خاندان وحی بود از اخلاق محمدی و کردار حیدری و صبر و شکیبایی فاطمی درس ها گرفت و بدان عمل کرد. ایشان به کوچک و بزرگ احترام می گذاشت و هیچ گاه چهره ترش نمی کرد. همیشه در سلام کردن پیش دستی می کرد و در مقابل مهمان از جا بر می خاست و مقام او را ارج می نهاد. ایشان که در خانه کنیز داشت در کارهای خانه آنان را یاری می داد و جویای احوالشان می شد تا اگر مشکلی دارند، آن را بر طرف سازد [۳۴].

۴- اصل سعی محوری

اهمیت تأثیر سعی و تلاش بر انسان در این است که وی مرهون میزان تلاش و کوششی است که به کار می گیرد. زینب (س) عمری کوشید، تلاش کرد، و دمی نیاورد. روزگاری را بسر آورد همه در هدف داری، وظیفه مندی، عبادت و پرستش. او در یکی دو سال آخر عمر چنان کوشش و تلاشی کرد که تاریخ نگاران را به حیرت انداخت. زندگی و کار او به گونه ای بود که بسیاری از غریبان عمل او را معجزه و او را از عجایب روزگار به حساب می آورند. او از دنیا نرفت، مگر آنگاه که نقشه دقیق انجام رسالت خود را در رساندن پیام شهادت انجام داد. آری، زینب آیتی از آیات الله بود [۳۵].

۵- اصل آمادگی برای انجام نقش همسری و مادری

به دختران باید آموخته شود که ازدواج سبب ایجاد حق و تکلیفی بر آنان می شود و آگاهی به این حقوق و تکالیف در زندگی سبب می شود که مرز مسئولیت ها مشخص شود، رعایت عدالت امکان پذیر گردد، نوع توقعات از یکدیگر معلوم شود و اجرا و تقسیم وظایف ممکن گردد [۳۶]. زینب (س) در دامن مادری تربیت شده بود که درس زندگی را احتیاج به آموختن نداشت زیرا زندگی مادرش فاطمه (س) خود به تنهایی آموزگاری صامت بود، او می دانست پیروزیهای چشم گیر پدرش در میدان رزم در کانون باصفا و صمیمیت آن ها بدست مادرش شالوده ریزی می شد او می دید که اگر پدرش علی (ع) در جبهه ها با شمشیر جنگ می کرد مادرش در خانه جهاد می نمود تا جهاد پدرش ثمر بخش باشد و سپس زینب باید نقش مادر نمونه را داشته باشد زیرا فرزند آن مادر نمونه است [۱۷].

۶- اصل توکل و خدا محوری

انتقال روحیه تعهد در مرتبه برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمره ای است که از این اصل حاصل می شود [۳۷]. خدا محوری عنصر لاینفک زندگی زینب (س) است. ایشان ابراهیم وار از حسین (ع) - که از جانش عزیزتر است - می گذرد و در حالی که جانش از فقدان برادر بی قرار است، با نگاه به پیکر خونین برادر می گوید: اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ هَذَا الْقُرْبَانَ. زینب (س) عارفی وارسته است که همه جهان را جلوه گاه حق می داند و از همین رو، در اوج مصائب جز زیبایی، چیزی نمی بیند. بنابراین آن هنگام که ابن زیاد او را مورد خطاب قرار می دهد و می گوید: نظرت در مورد کار خدا با برادر و اهل بیت چیست می فرماید: «جز زیبایی چیزی ندیدم» [۳۸].

۷- اصل محبت و احترام

اصول تربیت اخلاقی در سیره حضرت زینب (س)

دست یابی به اهداف مورد نظر و ایجاد تغییرات مطلوب اخلاقی، مستلزم رعایت قواعد کلی است که از آن تحت عنوان اصول تربیت اخلاقی نام برده می شود. اهمیت اصول در تعلیم و تربیت تا بدانجاست که برخی تربیت پژوهان، آموزش و پرورش را علم به اصول دانسته اند [۳۱].

«اصول» قواعد کلی مستخرج از مبانی است؛ به عبارت دیگر اصول مجموعه قواعدی است که با نظر به قانونمندیها (مبانی) اعتبار می شود و راهنمای عمل قرار می گیرد. اصل دارای ماهیتی هنجاری، و ناظر به «باید» ها است؛ از این جهت با «مبنا» که خود منشأ اشتقاق اصل است و ماهیتی کاملاً توصیفی دارد و ناظر به «هست» ها می باشد، متفاوت است. اصل معیار و قاعده کلی است که با در دست داشتن آن، می توان در رویارویی با وضعیت پیچیده تر و تازه تر با نظر به اقتضای معیار به ابداع روشهای تربیتی مناسب اقدام کرد. بنابراین، اصول بر مبانی تکیه دارد [۱۴].

اصول در سیره اهل بیت (ع) و بخصوص زینب (س) به منزله ابزار کار مریبان است که مربی با استفاده از آن می تواند بموقع و در عین حال با روشن بینی کافی تصمیم بگیرد. از این رو با بررسی دقیق سیره و سخنان زینب (س) و در حد حوصله مقاله، این اصول استخراج شده است.

۱- اصل صداقت و درستکاری

صداقت و درستکاری به عنوان یکی از ارزش های اخلاق اسلامی مطرح شده است [۳۲]. چنان چه در القاب زینب (س) می باشد، ایشان در سلسله صدیقین به شمار بوده است. توضیح این اجمال آن که، باید دانست اولاً «صدیق» مبالغه در صدق است؛ یعنی کسی که تمام حرکات و سکنات و اقوال و افعال او مبنی بر راستی و درستی است، و صدقه منصبی است الهی که هر کسی دارای آن منصب جلیل نباشد بلکه اشخاص معدودی از جمله حضرت یوسف و ابراهیم (ع) به این منصب رسیده اند [۱۸].

۲- اصل عفت پیشگی و پاکدامنی

در اسلام مسئله عفت و حیا در مباحث اخلاقی برای زن و مرد مطرح شده است ولی تکیه بیشتر آن روی زنان است، زیرا در بینش اسلامی زن دارای سرمایه ای گرانقدر است که هویت و شخصیت زن و امتیاز او بر مرد به آن بستگی دارد. بنابراین حفظ و صیانت این سرمایه بر زن از اوجب واجبات است [۳۳].

زینب (س) در پاسداری از عفت و عصمت سرآمد دختران روزگار بود. وی با الهام از پیام آسمانی قرآن و طبق آموزه های پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) حجاب و عفت را مانند گوهری ارزشمند برای یک زن مسلمان می دانست و بر این باور بود که زن هنگامی به خدای خود نزدیکتر است که خود را از معرض دید مردان بیگانه - به غیر موارد ضروری - حفظ نماید [۱۶].

۳- اصل اخلاق مداری

یکی از ارکان و اهداف مهم دین، اخلاق است. مقصود از تمام معارف دینی و انجام مناسک و شعائر، ایجاد تحول اخلاقی در انسان است، به نحوی که اگر عناصر معرفتی و عبادی در دین نتوانند در حوزه اخلاقی تأثیر بگذارند به کمال خود دست نیافته اند. زینب

عزت نفس عبارت است از «احساس ارزشمند بودن»، این حس از مجموع احساس ها، عواطف و تجربیات در طول زندگی ناشی می شود و می تواند صاحبش را به مراعات تمام وظایف اخلاقی و انسانی وادار سازد [۴۴].

زینب(س) در غلّ و زنجیر اسارت، از آن چنان اقتدار و عزتی برخوردار است که احدی در مقابل او شخصیتی ندارد. مهم ترین عوامل استوار کننده عزت و اقتدارش عبارتند از: توکل و اتصال به سرچشمه عزت و اقتدار، صبر در مصائب، شجاعت، حق گرای و بی نیازی جستن از خلق. زینب(س) اقتدار و عزت خویش را در دامان زهرا(س) و از تربیت پدرش به دست آورده بود. در عین حال زینب بعد از کربلا یک شخصیت و عظمت بیشتری دارد [۴۵].

۱۲- اصل تغییر و تحول باطن

این اصل بیانگر آن است که در تربیت باید به فکر تحول درونی بود [۱۴].

شیعیان کوفه، بعد از تجربه های تلخی که در آن شهر نسبت به اهل بیت، علی(ع)، امام حسن و حسین (ع) صورت گرفته بود از کرده ی خود پشیمان شدند و علاوه بر شرکت در قیامهای سیاسی، همچون قیام توابین و مختار به سوی اهل بیت روی آوردند به همین جهت بسیاری از یاران، شاگردان و دوستان امام سجاد، باقر(ع) و صادق (ع) را کوفیان تشکیل می دهند. خطابه زینب در سال ۶۱ هجری، روح ایمان را دوباره در کوفیان زنده کرد و آن زحمات در پنجاه سال بعد ثمره داد [۱۶].

۱۳- اصل تکلیف و مسؤولیت

این اصل بیان گر آنست که «باید مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را چنان گرداند که به جای پیروی از فشارهای بیرونی از الزام های درونی تبعیت کند. این پیروی از الزام های درونی را احساس مسؤولیت یا احساس تکلیف می نامیم». پیامبر (ص) در این مورد فرموده اند: «کسی که نسبت به امور مسلمانان احساس مسؤولیت نکند از مسلمانان نیست» [۴۶]. پس از شهادت حسین (ع)، زینب (س) می دید بزرگترین وظیفه و مسئولیتش سه چیز است: نخست، از حجت خدا و امام وقت سجاد (ع) حمایت کند و وی را از گزند دشمن حفظ نماید. دوم، پیام شهیدان را به همه جا برساند و راه آنها را دنبال کند. سوم، طبق وصیت برادرش از خانواده شهیدان و از کودکانی که پدران آنها به شهادت رسیده اند، سرپرستی کرده و روحیه آنها را در سطحی عالی نگاه دارد [۴۷].

۱۴- اصل ایثار و فداکاری

ایثار در حالی است که انسان به چیزی که خود به آن احتیاج دارد، به دیگری تقدیم کند، و این از هر کسی برآورده نیست. و گاهی ایثار از امور مادی فراتر است، که مسئله حیثیت و آبرو و یا حتی ایثار جان مطرح است. در ایثار هم می توان گفت درجه ی بالاتر از ایثار جان نیست و زینب (س) این مراتب از ایثار را دارا بود چنانچه در صحنه های متعدد حاضر شد حتی جانش را در راه امام سجاد فدا کند. او برای حفظ جان دیگران، خطر را به جان می خورد و در تمام صحنه ها، دیگران را بر خود مقدم می دارد. او در ماجرای کربلا حتی از سهمیه آب خویش استفاده نمی کرد و آن را نیز به کودکان می داد [۱۷].

اسلام از همه انسان ها می خواهد که به چشم همنوع به یکدیگر بنگرند و به یکدیگر ابراز محبت کنند و احترام بگذارند. تاریخ از زندگی زینب (س) جز مهر و وفا و انس چیزی نقل نمی کند. او همسری مهربان برای عبدالله و مادری وظیفه شناس برای فرزندان بود.

محبت و دوستی او به حسین (ع) آن چنان بود که خواهرانش این گونه نبودند. در اخبار آمده که هر گاه به دیدار برادرش می آمد، حضرت به احترام او جلو پایش حرکت می کرد و سرپا می ایستاد و او را در جای خود می نشاند به راستی که این خود مقام عظیمی است که آن حضرت در نزد برادرش داشت، همان گونه که او امین و امانتدار پدر، نسبت به هدایای الهی بود [۳۹].

۸- اصل سعه صدر

سعه صدر به معنای گشادگی و فراخی سینه و داشتن قدرت تحمل عقاید مخالف و گاه حتی پذیرش آن است. تاریخ زنی صبورتر و دارای سعه صبر زیاد همانند زینب (س) به خود ندیده است. طوفان مصائب از هر سو به زینب هجوم آورده است و تنها در یک نیمروز، فرزندان، برادران، فرزندان برادر و از همه مهم تر، امام و ولی خویش را از دست داده است. هر یک از این مصائب به تنهایی، شکوه و اقتدار یک انسان را در هم می شکند و عنان اختیار از کف او می گیرد. زینب در حالی با این مصائب رو به رو بود که دشمن اجازه سوگواری و گریه بر شهدا را از بازماندگان آنها سلب کرده بود. از امام سجاد نقل شده است که «اگر از دیده هر کدام از ما اشکی سرازیر می شد، سرش را با نیزه می کوفتند» [۴۰].

۹- اصل نظم و انضباط

نظم، ناشی از همسویی قوای درونی انسان است و مادامی که قوای درونی انسان، همسو و هم جهت نباشند، انسان منظم نمی شود [۴۱]. خانه زینب (س) امید درماندگان و مرکز دانش آموزی و تفسیر قرآن و مرکز مراجعات دینی است. برنامه زندگیش به گونه ای تنظیم شده که دست و پا گیره ای در آن ندارد. او در زندگی هم به خانه داری خود می رسد، و هم به همسر داری، و هم به همسر داری، و هم به فرزند داری. به موقع عبادت دارد، و به موقع مناجات و دعا. زمان همکاری با پدر و برادر را می داند و چنان برنامه ریزی می کند که هیچ گونه اصطکاک و تضادی در انجام وظیفه پیش نیاید [۳۴].

۱۰- اصل تعقل و تفکر

به کارگیری عقل و استفاده از آن تعقل نامیده می شود و اساس تربیت صحیح بر تعقل است که آدمی با تعقل آیات حق را در می یابد و به کمالات الهی متصف می شود [۴۲].

در برخی روایات است که زینب (س) مجلس علمی داشت و زنان به قصد آموختن احکام دین نزد او می رفتند. این صفات برجسته که برای هیچ یک از زنان معاصر او فراهم نشده است، زینب را از دیگران ممتاز ساخت. چنان که او را «عقیله بنی هاشم» می گفتند و از وی حدیث فرا می گرفتند. ابن عباس گوید: «عقیله ما، زینب حدیث کرد... و این لقب بر او ماند؛ چنان که به عقیله معروف گشت و فرزندان وی را بنی عقیله می گفتند» [۴۳].

۱۱- اصل عزت نفس

۱۵- اصل غفلت زدایی

بخش اصلی تربیت اخلاقی به بیدار کردن و رفع حجاب ها از فطرت انسان اختصاص دارد. آنچه مانع شناخت خدا می شود، غفلت و بی توجهی است که خود از سرگرمی و دل بستن به متاع بی ارزش دنیا پدید آمده است. زینب(س) می خواست وجدان مردم کوفه را بیدار کرده و برای آنها این مسئله را روشن کند که برای هر هدفی که به این جنایت فجیع دست زده باشند، به هدف خود نخواهند رسید، پس در همین راستا فرمود: «أَلَا سَاءَ مَا تَزُرُونَ؛ چه بار سنگین و بدی را بر دوش خود نهاده اید».

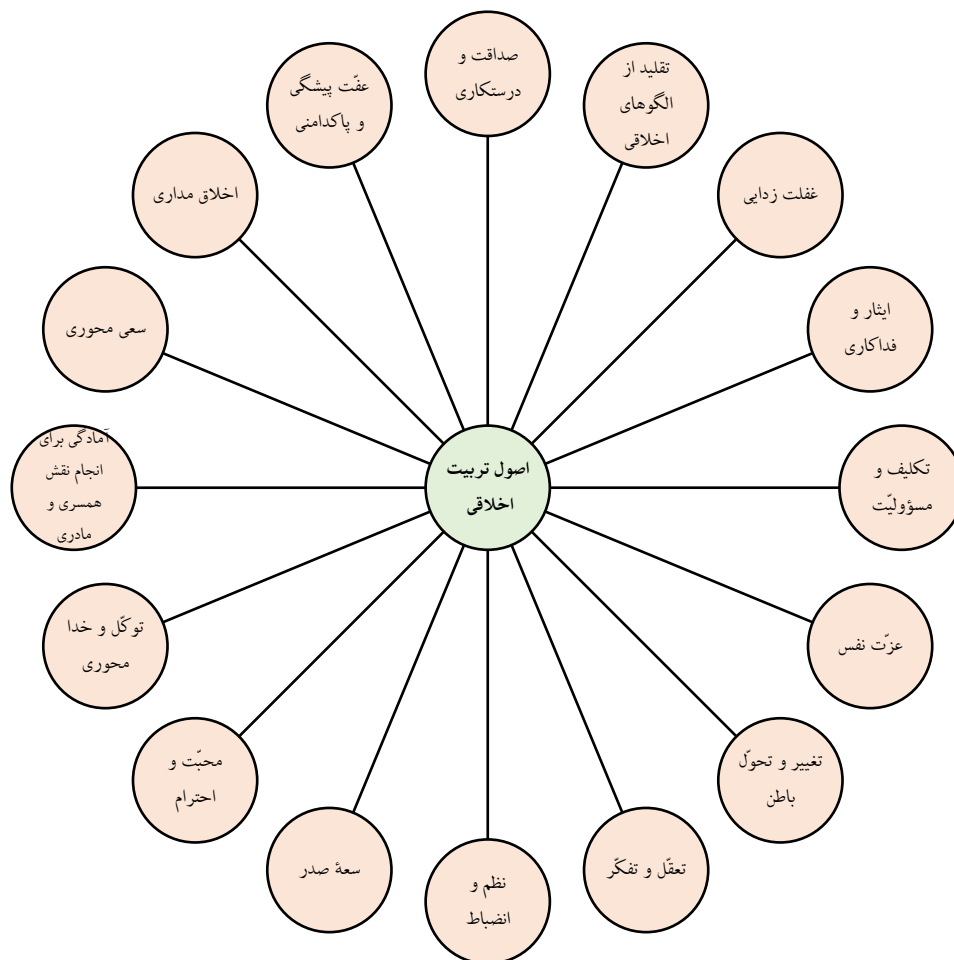
سپس فرمود: ای مردم کوفه بدانید که عدم نزول فوری عذاب الهی بر شما به جهت سستی و اهمال خدا در کیفر دادن شما نیست، چرا که کارهای خدا تنها بر اساس حکمت و فراهم آمدن مقدماتی از قبیل فرا رسیدن زمان مناسب، یا انتخاب نوع کیفر مربوطه صورت می پذیرد. راوی گوید: «به خدا سوگند، در آن روز مردم را دیدم که

حیرت زده گریه می کردند و گاه دست در دهان گرفته و پشت دست به دندان می گزیدند» [۲۶].

۱۶- اصل تقلید از الگوهای اخلاقی

الگوی اخلاقی در واقع، صفات و ملکات پسندیده ای هستند که به سبب شایستگی، سزاوار تقلید و پیروی هستند. الگو در لغت به معنای مدل، سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، نمونه و مثال آمده است [۴۸]. خانواده ای بی نظیر و سرچشمه همه فضائل انسانی، محیط تربیتی زینب بود. او همچون ماه تابان از پنج خورشید عالم افروز نور می گرفت و از هر کدام بهره می جست و بر تکامل خویش می افزود [۴۹].

مربیان زینب درسهای تقوی و فضیلت را از منبع وحی دریافت می کردند و در اختیار او می گذاشتند. بنابراین زینب با ذکاوت والا از مربیان معصوم الهام می گرفت، و حوادث بزرگ تاریخی را تجربه کرد و انقلابهای مختلف عصر پدر و مادر و برادران را شاهد بود [۱۷].



نمودار ۲. اصول تربیت اخلاقی مستخرج از سیره حضرت زینب (س)

سزاوار تحقیق و بررسی است؛ از یک طرف مطالعه زندگی آن حضرت به عنوان یکی از اولیای بزرگ خدا از برترین انواع عبادت و تقرب به خدای متعال است. و از دیگر سو، دقت و تدبیر در قطعات تاریخی که از زندگی این بزرگوار به دست ما رسیده، می تواند درس های مفیدی را در پی داشته باشد که در بسیاری از عرصه های زندگی یاری کننده انسان است.

نتیجه گیری

زینب (س) دومین بانوی بزرگ از بانوان گرامی خاندان پیامبر(ص) است؛ زندگی پر بار آن حضرت آکنده از فضایل و کرامات بوده؛ موجبات بزرگی، جلالت، قداست و روحانیت در آن موج زده، پراز توانایی ها، قابلیت ها، و عوامل رشد و پیشرفت بوده است. از همین رو است که هر صفحه از صفحات نورانی زندگی آن بزرگوار

References

1. Tabarsi R. Makarem al-Akhlaq. Qom: Sharif Razi Publishing; 1994.6: 434. (Persian)
2. Hemmat Banari A. Moral education and the need to look at it again. Tehran, Islamic Publishing, 2000, 2: 79. (Persian)
3. Beheshti S.; Davoodi P. Moral education based on the Makarem ol Akhlagh prayer of Imam Sajjad (AS). Journal of Applied Issues of Islamic Education, Year 3, 2008, No. 1, 31-50. (Persian)
4. Shamshiri B.; Dostdari, A. Characteristics of moral education in the Prophetic biography Journal of Allameh Tabatabaei University Proceedings, 2006, No. 232; 403-426. (Persian)
5. Samadi M.; Eghbalian T. Fundamentals of Principles and Methods of Moral Education in the Life of the Prophet (PBUH) and the Ahl al-Bayt (AS), Two Quarterly Journal of Research in Islamic Education, Imam Hussein University; 2012; No. 16, 37-64. (Persian)
6. Ibn Manzur M. The Language of the Arabs. Beirut: Dar Sader; 1992, 6: 399. (Arabic)
7. Delshad Tehrani, M. Siri in Islamic Education. Tehran: Darya Publishing, 2007, 21. (Persian)
8. Ibn Asaker Dameshghi A. History of the Medina of Damascus al-Kabir, Beirut: Dar al-Fikr; 1995; 41: 521. (Arabic).
9. Mahallati, Z. Riahin Al-Sharia. Tehran, Darolkotob Aleslamieh; 1989; 3:29. (Arabic).
10. Ragheb Isfahani A. Words of the Quran, Beirut: Dar al-Shamiya; 1996; 1, 252 (Arabic)
10. Haji Dehabadi M. An Introduction to the Islamic Educational System. Qom: World Center for Islamic Sciences, 1998: 18. (Persian)

در بررسی و مقایسه یافته های این تحقیق با چند مقاله ای که در بخش پیشینه معرفی شد، محقق نتیجه گرفت که با بخشی از یافته مقاله کریمی (۱۳۹۴) در زمینه مفهوم تربیت اخلاقی همسو می باشد. همچنین با بررسی مقاله بهشتی و داوودی (۱۳۸۷) محقق به این نتیجه رسید که در زمینه مبنای تربیت اخلاقی «عزت نفس» این دو مقاله فصل مشترک دارند. و نیز با بررسی مقاله زارعی (۱۳۹۲) محقق نتیجه گرفت که در زمینه اینکه حضرت زینب (س) الگوی تربیتی بسیار خوبی برای متریان می باشند، این دو پژوهش همسو هستند. و همچنین با مقایسه مقاله شمشیری و دوستداری (۱۳۸۵) با این پژوهش، محقق دریافت که هر دو مقاله در زمینه اینکه تربیت اخلاقی یکی از عوامل مهم در رشد جامعه و بخصوص آموزش و پرورش است و برخی از ویژگی های مشترک آن مثل عزت انسان، که می توان با کمک آنها جامعه را به سوی تکامل و پیشرفت سوق داد، این دو پژوهش همسو هستند. و در نهایت با بررسی مقاله صمدی و اقبالیان (۱۳۹۱) محقق به این نتیجه رسید که یافته های ایشان در زمینه مبانی و اصول تربیت اخلاقی با این پژوهش مشترک نمی باشند.

برای موفقیت در امر تعلیم و تربیت و بخصوص تربیت اخلاقی باید اصول کشف شده از مبانی را به دست آورده و هماهنگ با شرایط و موقعیت روان شناختی و عاطفی متعلم و متربی، آنها را عملیاتی ساخته و به کار گرفت.

عملکردهای زینب(س) حکایت از آن دارد که وی در آموزش ها و هدایت های تربیتی خویش، و برای پرورش ابعاد و ساحت های مختلف متریان، مبانی و اصول فراوانی را به کار گرفته است. این امر به این منظور انجام شده است که استعداد های نهفته متریان در جهت مطلوب شکوفا شوند و انسان هایی الهی و متکامل در امت اسلامی، پرورش یابند و از انحرافات گوناگون فکری و باورهای غلط و از گمراهی در عملکردها مصون بمانند و زمینه نیل به سعادت برایشان فراهم گردد.

مبانی و اصول تربیت اخلاقی مستخرج از سیره حضرت زینب (س) بطور خلاصه و در حد گنجایش در این مقاله در نمودارهای زیر آمده است.

تشکر و قدردانی: نویسندگان این پژوهش از کلیه کسانی که در انجام این تحقیق پژوهشگران را یاری نمودند، قدردانی مینمایند. تأییدیه اخلاقی: در این پژوهش نیازی به کسب تأییدیه اخلاقی نبوده است.

تعارض منافع: هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد. سهم نویسندگان در مقاله: نویسنده اول مطالب را با راهنمایی اساتید راهنما و مشاور (نویسندگان دوم و سوم) تهیه، تحلیل، تدوین، و نگارش نموده است. متن نهایی مورد تایید تمامی نویسندگان قرار گرفته است.

منابع مالی: موردی از سوی نویسندگان بیان نشده است.

23. Majlisi, M. Baharalanvar. Qom: Islamia Publishing; 2007; 45: 134. (Arabic)
24. Elahi Boothekar H. Zeinab Kobra (PBUH) Agheeleh Bani Hashem Tehran: Afrineh Cultural Institute Publishing; 1996; 99. (Persian)
25. Qazvini M. Zeinab Kobra. Translated by K. Hatami Tabari; Qom. Payam Moghaddas Publishing; 2014; 124. (Persian)
26. Imam Khomeini R. Explanation of the Hadith of the Soldiers of Wisdom and Ignorance. Qom: Imam Khomeini Publishing House; 1998; 309. (Persian)
27. Jafari M. Translation and Interpretation of Nahj al-Balaghah. Tehran: Islamic Culture Publishing House; 1982; 10, 12/13. (Persian)
28. Oliaei M. The Life of Hazrat Zeinab (PBUH). Qom: Islamic Publications Office; 2009; 150. (Persian)
29. Mesbah M. Ethics in the Quran. Vol. 3, Qom, Imam Khomeini Educational and Research Institute, 1998, 3: 28. (Persian)
30. Hoshyar M. Principles of Education. First Edition; Tehran; University of Tehran Press; 1948; 8. (Persian)
31. Makarem Shirazi N. Life in the Light of Ethics. Qom: Sarvar Publishing; 2010; 83. (Persian)
32. Ghaemi A. Training and Education of Girls. Tarbiat Magazine; Fifth Year; First Issue; 1990; 32. (Persian)
33. Ghaemi A. The Life of Hazrat Zeinab. Tehran: Amiri Publishing; 2007; 16-21 (Persian)
34. Ghaemi A. Education and training of girls: Moral education. Tehran: Tarbiat Journal; 1989; 50. (Persian)
35. Ghaemi A. The role of the mother in education. Tehran: Amiri Publishing; 1998; 256. (Persian)
36. Motahhari M. Collection of Works. Vol. 2; Qom: Sadra Publishing; 1992, 83. (Persian)
10. Dailami A., Azarbayjani M. Islamic Ethics, Qom: Maaref Publishing House, 2006; 19. (Persian)
2. 11. Beheshti, M. Opinions of Muslim Scientists in Education, Vol. 2, Tehran: Samt Publishing, 2009, p. 44. (Persian)
11. Javadi Amoli A. Fitrat. Qom: Esraa Publishing Center; 2008, 391. (Persian)
12. Naqdi J. Zeinab Kobra. Qom: Heydariyeh Publications 1999; 4. (Persian)
13. Bagheri Kh. A New Look at Islamic Education. Madrasa Publications, 1995; 1: 132. (Persian)
14. Sharafuddin Mousavi A. Aghileh Vahi. Qom: Hajj Research Center; 2007; 24. (Persian)
15. Pak Nia Tabrizi A. Lessons from Hazrat Zeinab (PBUH). Qom: Ahlul Bayt (AS) Culture Publishing; 2017; 17. (Persian)
16. Nabavi Kh. The Life of the Untaught Knowledgeable Hazrat Zeinab Kobra (PBUH); Qom: Rashid Publishing; 2013; 175. (Persian)
17. Jazayeri N. Characteristics of Hazrat Zeinab (PBUH), Bagheri Bidhandi: Recherche. Qom: Jamkaran Mosque Publishing, 2014: 99. (Persian)
18. Qomi A. Safina Al-Bahar. Tehran: Sanai; 1: 558. (Arabic)
19. Tusi A. Al-Tahdhib. Tehran: Sana Publishing; 2004; 6: 79. (Arabic)
20. Mugharram A. Murder of Hussein. Qom: Basirati Publishing; 2012; 371. (Arabic)
21. Amadi, M. Ali (AS) Mizan Al-Haq. Qom: World Assembly of Ahl al-Bayt (as); 2007; 1: 259. (Arabic)
22. Bint Al-Shati A. Lady of Karbala Zeinab, daughter of Zahra (PBUH). Translated by R. Sadr. Qom: 22 Bahman Publishing, 1985, 9. (Persian)

37. Ibn Tawus S. Al-lohuf in the Murder of Al-Tafuf. Qom: Anwar al-Huda Publishing; 2001; 176. (Arabic)
38. Rahmani Hamedani A. Fatemeh Zahra Happiness of Prophet's (PBUH) Heart. Tehran; Badr Publishing; 2002; 862. (Persian)
39. Qomi A. Nafs Al-Mahmum. Translated by M. Kamraei; Qom: Jamkaran Mosque Publishing; 2006, 346. (Persian)
40. Delshad Tehrani M. Sira Nabavi. Tehran: Printing and Publishing Organization; 1993; 426. (Persian)
41. Ibn Manzur M. The Language of the Arabs. Beirut: Dar Al-Hayya Al-Tarath Al-Arabi Publishing; 1988; 9: 326. (Arabic)
42. Bint Al-Shati A. Karbala female lion. Translated by J. Shahidi; Tehran: Mashar Publishing; 1995, 40. (Persian)
43. Phalsaphi M. Young in terms of intellect and emotions, Vol. 2, Tehran: Islamic Culture Publishing House; 1998; 2: 285. (Persian)
44. Motahhari M. Hosseini's Epic. Tehran: Sadra Publishing; 1999; 1: 52. (Persian)
45. Koleini, M. Osool Kaafi, Translation and Explanation of J. Mostafavi. Tehran: Ahl al-Bayt Publishing; Without Date; 2: 163. (Persian)
46. Mohammadi Eshtehardi, M. Hazrat Zeinab, Messenger of the Martyrs of Karbala. Tehran: Motahar Publishing; 1996; 28. (Persian)
47. Dehkhoda A. Dictionary. Tehran: University of Tehran Publishing; 1998; 3: 3248. (Persian)
48. Babazadeh A. Zeinab Kobra's face. Qom: Danesh va Adab Publishing; 2002; 40. (Persian)